

تقدیم ضوابط بر روابط

تنها بر اساس تقوا میسر است

مراحل تکاملی «اسلام» «ایمان» «تقوا» و «یقین»

حسین حقانی زنجانی

(و سهم هیچ يك از شماها را از «فتی»
(بیت المال) در همی کم نمی گذارم
و بدین ترتیب حق هیچ فردی از
مسلمانان را ضایع نمی کنم هیچ
باغی در اطراف مدینه بمن تعلق
ندارد خودتان (منصفانه) آنرا
تصدیق می کنید آیا شما مراد
مقابل خود مانعی می بینید که
اطاعت شما را نمی کنم؟

در این هنگام عقیل (برادر علی (ع)
از میان جمعیت با صدای بلند گفت
آیا تو مرا (که برادر تو هستم) با
مرد سیاه در مدینه مساوی می بینی؟
حضرت (با عصبانیت) فرمود:
به نشین آیا در مجلس کسی جز تو
نبود که صحبت کند؟ تو بر مرد
سیاه چه فضیلتی داری؟ جز سابقه
ایمان و تقوا (اگر در تو وجود

داشته باشد). (۱)

چنانکه ملاحظه می کنید نزدیکی بمقام خلافت
و یارنسی جمهوری و یارهربری و غیر آن از عناوین و
مناصب در اسلام، هرگز مایه کرامت و فضیلت
نبوده و باعث تصدی مقام و برتری نیست چنانکه
ابو حمزه ثمالی از امام سجاد (ع) نقل می کند:

«لا کره الا بتقوی» : «هیچ کرامت

لطفاً ورق بزنید

اسلام، تمام مسلمانان را در برابر قانون و در
عمل و جریان قانون بایک چشم می بیند و تفاوت
طبقاتی و عشیره ای و فامیلی و ثروتمند بودن و یا
فقیر بودن و اختلافات نژادی از قبیل کرد،
ترک و یا بلوچ و لر و فارس و عرب بودن
و سایر امتیازهای موهوم و بی اساس در نظام
ارزشی اسلام و برتری ها و تقدم و تأخرها کوچکترین
تأثیری ندارد.

این مسأله مخصوصاً در مورد حاکم و زمامدار
و بالاخره متصدی هر پست و مقامی در اسلام بسیار
مورد توجه است زمامدار یک امت هرگز حق ندارد
ملاحظات صنفی و طبقاتی را در استفاده از امکانات
قانونی و رفاهی و تقسیم بیت المال و اجزای مقامات
و پست های اداره مملکت، پیش بکشد مثلاً کسی
را تنها بخاطر رابطه فامیلی و سوابق دوستی و
خویشاوندی به پست حساس بگمارد در حالیکه
نیابت احراز آنرا نداشته و یا تقوای لازم در احراز
آن پست را ندارد.

«امام صادق (ع) فرمود: هنگامی

ده علی (ع) منصب حکومت و
امامت را بدست گرفت روزی
بالای منبر رفته بعد از حمد و
ستایش پروردگار فرمود: قسم
بخداوند (من فرقی در تقسیم بیت
المال میان افراد مسلمان نمی گذارم

تقدیم ضوابط بر روابط

مطرح شود که چه قدرتی است بین واژه ایمان و اسلام و تقوا و یقین ؟ چه بسا بعضی فرق حقیقی و واقعی بین آنها نگذارند و از این جهت دچار اشتباه گردند و یکی را بجای دیگری بکار برند

قبل از هر چیز باید باین نکته توجه کرد که تمام این کلمات در این امر مشترك هستند که آنها يك نوع حالت روحی بوده ، واقعیت دارند و خیال و توهم اتصاف ، کافی در متصف بودن روح انسان باین صفات نیست .

و بدیهی است که حصول این حالت ، احتیاج به مقدماتی دارد که در اثر ممارست و تداوم و تکرار و از خود گذشتگی و مداکاری و بطور کلی بایک سلسله

از عملیات و احیاناً سخت و مشکل بدست می آید و در عین حال هر يك از آنها يك مرتبه خاصی از

يك حالت روحی بوده و برای خود دارای آثار مخصوصی می باشد پس ایمان در مرتبه ذات خود با اسلام فرق دارد چنانکه تقوی و یقین نیز بسابقه و از همه از نظر معنی متفاوت می باشند .

آنچه از اخبار معتبر زیادی استفاده می شود

اینست که ایمان و اعتقاد مرحله ای است بالاتراز اسلام بطوریکه هر مؤمنی رامی شود گفت مسلمان و لکن هر مسلمانی را نمیشود گفت مؤمن زیرا مؤمن

غیر از اسلام شرائط دیگری از قبیل قبول ولایت (علی) و غیر آن دارد که آن در مسلمان بودن ، هرگز

شرط نیست روی این ملاحظه تمام فرق مسلمین را بجهت قبول رسالت پیغمبر و وحی و قرآن و سنت

و التزام بلوازم اسلامی می توان مسلمان نامید و

احکام ظاهری اسلام بر آنها ساخت و لکن برخی از

و فضیلتی کسی بردیگری جز به

تقوی و پرهیزکاری ندارد» (۲)

و در جای دیگر از امام صادق (ع) نقل شده

است : « .. و کرمه تقواه یعنی کرامت

انسان تقوای او است » نه جاه و

مقام و مال و ثروت و داشتن حسب و نسب و امتیازات

جسمی و فامیلی و عشیره ای نظائر اینها بلکه بالاتر

اینکه در نظام ارزشها ، شرافت هر عمل و ارزش هر

کاری بسته بمقدار تقوایی است که در مورد آن

عمل و کیفیت آن و شرائط تحقق و نحوه برگذاری

و مقصودی که از آن در نظر گرفته می شود . اگر

عمل برای رضای خدا و بخاطر (الله) انجام بگیرد

قطعاً چنین عملی در زمره ارزش حقیقی وارد شده و

اثرواقعی بر آن مترتب می گردد .

چنانچه امام سجاد (ع) در ضمن مواعظ خود

چنین می فرماید :

« شرف دل عمل بالتقوی و فاز من

فاز من المتقین قال الله تعالی :

ان للمتقین مفازاً ... » (۳) :

« شرافت هر عملی بستگی بمقدار

تقوای صاحب عمل دارد همان .

طوریکه خداوند در قرآن فرموده

است : همانا پرهیزکاران (در

سرای آخرت) در مقام گشایش و

هر گونه آسایش هستند

معنی چند واژه

در اینجا ممکن است سؤالی برای خوانندگان

(۱) عن محمد بن ابی عبدالله (ع) قال : لما ولی علی (ع) سعد المنبر فحمد الله واثی علیه ثم قال :

انی والله لا آرزکم من فیکم درهماً ما قام لی عذق یشرب فالتصدقکم انفسکم افترونی ما نعانفسی و مطیعکم ؟

قال فقام عقیل کرم الله وجهه فقال له والله لتجعلنی واسود بالمدینه سوا و قال اجلس اما کان ههنا احد ینکلم

غیرک و ما فضلک علیه الا بسابقه و تقوی» (وافی ج ۶۰۳)

(۲) وافی ج ۶۱۳

(۳) بحار ج ۷۸ ص ۱۱۰

آنان کلمه «مؤمن» بمعنای خاص خود نمیتوان
اطلاق کرد .
مؤلف کتاب «جامع الفروق» در این مورد
چنین می نویسد :

«اسلام عبارت است از اقرار به
یکانگی خداوند متعال و اعتقاد
به نبوت و رسالت محمد بن عبدالله
(ص) که شخص با شهادت دادن
به (لااله الا الله) و (محمد رسول
الله) مسلمان می شود و ایمان
عبارت از اسلام و اقرار به امامت
و ولایت حضرات ائمه معصومین
(ع) می باشد. ولی ایمان کامل
عبارت از اقرار به زبان و اعتقاد به
قلب و عمل بدستورات الهی که
واجبات را امتثال کند و محرمات
را ترک نماید و تسلیم علاوه بر
اسلام و ایمان عبارت از مطیع
و منقاد بودن به دستورات و قوانین
شرع انور و از قضا و قدر خدای
تعالی سر نه پیچیدن و بر خلاف
اوامر الهی اظهار نظر نکردن .
البته شرط دخول بهشت ایمان
است و اسلام فقط در دنیا با عت
طهارت و حفظ خون و اموال و
ناموس مسلمانان میشود...» (۴)
در این مورد حدیث معتبری وارد شده است که
آنرا از نظر خوانندگان می گذرانیم :

یکی از اصحاب آنحضرت بنام
«ساعة» نقل می کند که از امام
صادق (ع) در مورد اسلام و ایمان
و اختلاف آن دو با یکدیگر سؤال
کردم فرمود : ایمان مشارکت با
اسلام دارد (ولکن) اسلام چه

(۴) ص ۲۰۶

بسا با (مفهوم) ایمان مشارکت
ندارد در اوی (از حضرت توضیح
خواست) گفت توصیف کن آندو
را آنحضرت فرمود :
اسلام شهادت دادن به (لااله الا
الله) و تصدیق بر رسالت پیامبر
می باشد و با این شهادت خون او
محفوظ بوده ، احکام نکاح و ارث
بر او (بر طبق قوانین اسلام) جاری
می گردد و ظاهر آداخل در جامعه
مسلمین می شود (ولکن) ایمان
همان هدایت واقعی بوده و آنچه
را که در زبان آن اقرار کرده است
در دل نیز بآن اعتقاد داشته باشد
(یعنی دل باز بان بایکدیگر توافق
داشته باشند) پس ایمان یک مرتبه
بالاتر از اسلام است» (۵) .

قدیم ضوابط و روابط

و امام صادق

(ع) در ضمن مواعظی فرمود :
«ایمان یک درجه بالاتر از اسلام است
و تقوایک درجه بالاتر از ایمان است
و یقین نیز یک درجه بالاتر از تقوا
است (و امام در توضیح آن اختلاف
موارد یقین فرمود) : چیزی بین
مردم تقسیم نشده است که اختلاف
موارد شدیدتر از یقین باشد (بدین
ترتیب) برخی از مردم از لحاظ
یقین و باورش شدیدتر از برخی دیگر
بوده و در عین حال هر دو مؤمن
می باشند بعضی از مردم بردباریش
در مقابل معصیت و فقر و ناداری
و ترس بیش از دیگری می باشد
و این اختلاف در حقیقت، شدت
و ضعف یقین بر می گردد (۶)

(۵) عن ساعة قال قلت لابي عبدالله (ع) اخبرني عن الاسلام والايمن هما مختلفان فقال ان الايمان
بشارك الاسلام والاسلام لا يشارك الايمان فقلت فصفهما فقال : الاسلام شهادة ان لا اله الا الله والتصديق
برسول الله (ص) به حنقت الدماء وعليه جرت المناكح والمواريث وعلى ظاهره جماعة الناس والايمن الهدى
وما يثبت في القلوب من صفة الاسلام وما ظهر من العمل والايمن ارفع من الاسلام بدرجة ان الايمان يشارك
الاسلام في الظاهر والاسلام لا يشارك الايمان وان اجتمعا في القول والصفة» جامع الفروق ص ۲۰۷

(۶) بحار ج ۲۵۷ ص ۷۸

انقلاب اسلامی ایران در مطبوعات شوروی

بقیه از صفحه ۳۱

را تحت الشعاع خود قرار دهد در آینده دامن آنها را نیز بگیرد.

لیکن با وجود این آنها نتوانستند از این بحران به سود خود استفاده کنند. حتی احتمال این وجود دارد که آنها بتصور آنکه مداخله آنها در افغانستان بایک اقدام سریع نظامی امریکا برای آزاد کردن گروگانها مقارن خواهد بود، زمان را جهت پیاده کردن نیرو در افغانستان مناسب یافتند.

طبق ارزیابی آنها شاید یک چنین اقدامی از جانب امریکا مناقشات جهانی را در خاورمیانه و بخصوص در کشورهای عربی متبلور میساخت و بدین ترتیب مسأله اشغال افغانستان را بیو ته فراموشی می سپرد. براساس همین احتمال شایعه مربوط به اتخاذ تدابیر نظامی از جانب شوروی هادرفقاز (مرکز شوروی با ایران)، نیز به

واقعیت نزدیکتر می شود.

اتحاد جماهیر شوروی اینک تحول موضع آمریکا را در قبال ایران و سیاست آقای بنی صدر بدقت زیر نظر دارد، چه پیدا شدن هر نوع راه حل در بحران موجود میان واشینگتن و تهران برای شوروی این خطر را بدنبال خواهد داشت که یا موقعیت جهانی را کاملاً به زیان وی تغییر دهد و یا دست کم دستاویز مناسبی را جهت توجیه مداخله نظامی خود در افغانستان از کف او بیرون کند.

همین چند روز پیش بود که گزارش گرویزه «پراودا» خاطر نشان می کرد که: «گروهی از تظاهر کنندگان در خیابان طالقانی (خیابان سابق سفارت آمریکا به دام تبلیغات غربی افتاده اند و اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده آمریکا را به یک چشم نگاه می کنند»!

د. و (امضای گزارشگر)

چرا پای رادیو تلویزیون هنوز هم می لنگد؟

بقیه از صفحه ۱۸

بوجود آورند تا تهیه برنامه از مرحله اندیشه تا مرحله نمایش ماهها - حتی سالها - بطول نینجامد بلکه هر فکر ارزنده، ابتکاری و نودر کمترین مدت ممکن بصورت برنامه تقدیم تماشاگر بشود

۳- پاکسازی واقعی در سازمان رادیو و تلویزیون انجام دهند و محیط متشنج موجود در سازمان را که مخصوص غرض ورزیهای شخصی،

گروهی و حب و بغض و تنگ نظریهاست و شدیداً در روحیه افراد اثر میگذارد از بین ببرند و یک محیط تفاهم و همکاری بوجود آورند تا امکان فعالیت آزاد و خلاق برای همه نیروهای سالم داخل سازمان بوجود آید.

مجله سروش سال اول شماره ۴۰

فلسفه تاریخ

بقیه از صفحه ۲۹

تزیینی دارد .

خلاصه این نظریه همان نظریه محرك بودن علم و دانش، اختراع و صنعت است چیزی که هست او در میان صنایع، تنها به ابزار تولید توجه نموده و این قسم از صنعت را عامل محرك تاریخ دانسته است و علت آن همان بینش مادیگری اوست که در مورد انسان دارد ، و به دیگر تلاش های انسان، اصالتی قائل نیست و در آغاز بحث یاد آور شدیم که دانش و ترقی صنعت عامل ظاهری بیش نیست که پشت سر آن عامل دیگری به نام «حس افزون طلبی» قرار دارد

این که : مارکسیسم از میان تکامل ابزار، تنها به تکامل ابزار تولید می گراید در حالی که اگر انسان ابزار ساز است، همه نوع ابزار می سازد اگر تکاملی دارد تکامل او همه جانبه است در این صورت چه لزومی دارد که حرکت تاریخ تنها با ابزار تولید توجیه گردد .

نکته آن ، همان خصلت مادیگری است زیرا وی معتقد است که انگیزه اصیل در انسان، همان انگیزه تأمین حوائج مادی است و همین انگیزه است که انسان را به کار وادار می کند ، و امور دیگر جنبه فرعی و

نبرد حق و باطل در نیجریه

بقیه از صفحه ۴۱

هائی چون مارکس ، لینن ، کارتر ، الیزابت ، بیگن و برژنف . . .

بر شما پوشیده نیست که اقلیت مسیحی در نیجریه در طول تاریخ طولانی ما، همواره قهرمان مکر، خدعه و نیرنگ و توطئه و مزدور و عمال دولتهای بیگانه بودند. و تنها دستگیری رؤسای اسلامی، نمایانگر یکی از این توطئه های خائنانه است .

آقای رئیس جمهور در پایان بدانید که اگر تمامی امریکا - روسیه، بریتانیا آلمان، چین و فرانسه و تمامی مردم زمین بخواهند تفعی یا ضرری بشما برسانند نمی توانند مگر بهمان مقدار که خداوند برای شما مقدر ساخته است . . .

از مجله المجتمع: شماره ۴۷۱

بامبانی اسلام و اصول دین معارض است .

۴- وسایل تبلیغات برای آگاهی و تعلیم مردم بکار رود نه تحریف حقایق، و رادیو در خدمت اسلام باشد .

۵- صفوف مسلمان متحد و یکی شود و به نفعه های قبیلگی و افتراق، پایان داده شود .
۶- تشکیل وزارت اوقاف و امور اسلامی .

۷- اجرای احکام خدا، و شرع الهی و برقراری امنیت عمومی و استقرار آن و آسایش و رفاه همه ملل .

موقعیت ما در برابر اقلیت مسیحی
اجازه دهید بگوئیم که مهمترین درگیری بین حزب شما و سایر احزاب در نیجریه ، جنگ حق و باطل است. جنگ بین مسلمانان و مسیحیان، جنگ بین پیروان حضرت محمد (ص) و پیروان طاغوت.